



فاطمه شوشتری - بعضی زن ها جایگاه و دستاوردهایشان، می تواند از آن ها شخصیتی بسازد که شاید، به زعم بعضی ها، هیچ سختی با کلیشه های مرسوم و تصور آدم ها از دنیای زنانه، نداشته باشد.

برای همین هم بین همه اتفاقات و قصه هایی که بشر ساخته است، می توان زن هایی را پیدا کرد که بسیار تاثیرگذار بوده اند؛ زنانی پلیس مشهد که بیش از یک دهه از حضورشان در عرصه امنیت کشور می گذرد؛ زنانی که در دنیای مردانه و خشن پلیسی دستی بر آتش دارند و هر چند از لحاظ تعداد با مردها قابل قیاس نیستند، ولی حضورشان به خودی خود در این ۱۴ سال آنقدر چشم گیر بوده است که بتوانیم از آن ها به عنوان اسم های ماندگار تاریخ شهرمان یاد کنیم و درباره آن ها بگوییم. شیرزانی که بی باکی و دلیری شان در مأموریت های مختلف پلیسی، بهانه ای شد که در هفته «نیروی انتظامی» سراغشان را در تنها کلانتری بانوان کشور (خیابان مصلی) بگیریم و در مقابل درجه دارهایی بنشینیم که آوازه شجاعتشان سال هاست در میان مردان نظامی کشور پیچیده است.

رئیس تنها کلانتری بانوان کشور، متولد سال ۱۳۵۸ است. لیسانس ادبیات از دانشگاه فردوسی دارد و پلیس شدنش هم به سال ۱۳۸۲ بر می گردد. سالی که با دیدن فراخوان پذیرش دانشجو در دانشگاه علوم انتظامی تهران، نام نویسی می کند

روایتی از فعالیت تنها کلانتری بانوان ایران در خیابان مصلی مشهد به احترام این زنان، خبردار!

اسلحه به دست های چادری

گلت کمری از گوشه چادرش بیرون می زند؛ درست همان جایی که جلوسر تنها کلانتری بانوان کشور از ماشین پلیس پیاده می شود. در سبز رنگ کلانتری ۳۴ به رویش باز می شود و دو سرباز وظیفه موتراشیده، برای خانم رئیس پاروی زمین می کوبند و خبردار و پا جفت می ایستند. خانم سرگرد چادرش را روی سرش مرتب می کند و با کلمه «ممنون»، فرمان آزادی می دهد. همراهش وارد کلانتری مصلی می شود. بعد از چند قدم، اولین ساختمان روبه رویمان ظاهر می شود؛ ساختمانی که دیدن نظامی های مرد در آن برایمان نامفهوم است، چرا که به ما گفته اند این جاتنها کلانتری بانوان کشور است. چشم که می چرخانیم، خانم سرگرد را می بینیم که در حال دور زدن همین ساختمان است. طولی نمی کشد که ساختمان دوم، سوم و چهارم هم پشت ساختمان اصلی ظاهر می شود؛ ساختمانی پر از نظامی های زن قد بلند و رشید؛ بانوان در جهداری که طبق قصاب روی دیوار، از دی ماه سال ۱۳۸۲ با حضور سردار رادان، مدیریت تنها کلانتری بانوان کشور را در مشهد برعهده گرفته اند.

زنان بایونیفرم های نظامی

وارد ساختمان می شویم، بابلند شدن صدای پای خانم سرگرد، تعداد زیادی از زنان با لباس هایی سراپا سبز، اسلحه زیر بغل، شوکر به کمر و درجه روی مچ دست جلوی او بلند می شوند؛ با تحکم و قدرت پا می کوبند و با گفتن جانانه «سلام سرگرد»، خوشامدشان را اعلام می کنند. بادیکن این نظم، به آنی صدای «باریکا...» خانم رئیس بلند می شود و با بلندی به پهنای صورت از میان نشان می گذرد. در این میان صدای یکی از افسرها با جمله های «گفتم تکان نخور...»، «سابقه داری؟»، «باز مال کیوزدی؟» و «دروغم خوب می گی!» بلند می شود. صدایی که خانم سرگرد را به قسمت افسر نگهبان می کشاند؛ درست همان جایی که زنی حدوداً ۳۰ ساله و استخوانی، با چهره ای زرد و خمار، که حتی به اندازه پیرزن ۶۰ ساله هم دندان ندارد، دست بسته نشسته است.

سرگرد لحظه ای مقابلش می ایستد تا خوب به یاد بیاورد سارق را که چند بار دیگر هم برقه حکمش از زیر دستش رد شده و امروز دوباره به شکایت یکی از پزشکان خیابان سیدی، با داشتن فرزند ۴ ماهه شیر خوار روانه بازداشتگاه شده است.

خانم سرگرد دستور باز کردن دستان سارق را می دهد. افسر دست بند را باز می کند و او را به چند مأمور لباس شخصی می سپارد تا بازجویی در بازداشتگاه را انجام دهند و از زیر زبانش تعداد سرقت ها و نحوه آن ها را بیرون بکشند.

حالا زن سارق در اتاق بازجویی است. افسر تحقیق مسلح ایستاده و با صدایی زنانه، اما با قدرت، آمار می دهد. افسرهای لباس شخصی به دستور خانم رئیس در حال آماده شدن (پوشیدن جلیقه مخصوص حمل سلاح، شوکر، اسپری فلفل و چادر سر کردن) برای حضور در یکی از تجمع ها هستند. خانم سرگرد هم در حالی که ساعتی از ظهر گذشته است، گزارش های یکی از کارآگاهانش را از صحنه قتل و تعقیب و گریزهای خواند.

یک کلانتری در دست زنان

تمام آن چه گفته شد، ۱۴ سال است که در مشهد با حضور زنان پلیس تکرار می شود. بانوانی که بعد از تصویب قانون مجلس شورای اسلامی برای به کارگیری زنان در دستگاه نظامی، به عنوان افسر پلیس و به صورت نظامی و انتظامی به کار گرفته شدند. بعد از همین ابلاغ بود که نخستین دوره فعالیت آن ها بایونیفرم نظامی شروع شد.

بعد از چند سال آموزش و تربیت نیروی زن در دانشگاه علوم انتظامی، سال ۱۳۸۲ نخستین کلانتری بانوان کشور در مشهد به دلیل زائرپذیری آن

کلید خورد. کلانتری ای که در خیابان مصلی مشهد، یکی از نزدیک ترین نقطه ها به حرم مطهر رضوی، در سه ساختمان مجزا ساخته شده و با عنوان «کلانتری ۳۴ بانوان» در دست زنان است. این کلانتری در خیابان مصلی ۱، توسط سرگرد فاطمه پسندیده، یکی از شناخته شده ترین پلیس های زن کشور - که چیزی نمانده به درجه سرهنگی برسد - با کلی نیروی نظامی اداره می شود.

۱۰ سال رئیس کلانتری بودن

سرگرد فاطمه پسندیده، رئیس تنها کلانتری بانوان کشور، متولد سال ۱۳۵۸ است. لیسانس ادبیات از دانشگاه فردوسی دارد و پلیس شدنش هم به سال ۱۳۸۲ بر می گردد. سالی که بادیکن فراخوان پذیرش دانشجو در دانشگاه علوم انتظامی تهران، نام نویسی می کند و با نمره قبولی در آزمون، بعد از یک و نیم سال آموزش نظامی به مشهد باز می گردد. در مشهد با درجه ستوان دوم وارد یگان پلیس زنان می شود؛ شجاعت و مدیریت پلیسی اش او را در کمتر از ۴ سال به مقام رئیس کلانتری می رساند. مسئولیتی که حال با عنوان تنها زن رئیس کلانتری کشور برای دهمین سال با نام او، یعنی سرگرد فاطمه پسندیده، تکرار می شود.

گپ و گفت

«شمارا چه صدامی زند؟ جناب سرگرد که برای مردان است...»

بله؛ همین طور است. به همین دلیل من را سرکار سرگرد خانم پسندیده صدامی کنند.

«حتی نیروهای خانم زیر دستتان؟»

نه؛ من نیروهایم را آزاد گذاشتم. چندان سخت گیری روی آن ها ندارم و از طرفشان با عنوان خانم رئیس خطاب می شوم.

«شما یک سرگرد خانم هستید، نیروهای نظامی آقا برای شما هم خبردار می ایستند تا آزاد دهید؟»

نظام، قانون های خاص خودش را دارد. یکی از این قانون ها نحوه برخورد و احترام به مافوق است و در این بین تفاوتی بین خانم و آقا هم نیست.

«پس مردان هم برای اتان خبردار می ایستند؟»

بله؛ مردان نظامی پایین تر از خودم پا جفت و دست به کلاه خبردار می ایستند و من هم یک کلمه «ممنون» می گویم تا راحت باشند.

«پس زیاد به دنبال نشان دادن اقتدار یک زن کلانتر نیستید؟»

نیازی نیست با نحوه برخورد مقتدرانه با مردان نظامی، این اقتدار را نشان داد، بلکه خود عنوان رئیس کلانتری این مفهوم را می رساند؛ البته من زیاد به دنبال این چیزها نیستم. تمام تلاشم این است که خاکی باشم. از همین رو حتی برای بانوانی که زیر دست خودم هستند هم خیلی رئیس بازی در نمی آورم و دوستانه برخورد می کنم.

«می توانید بر ایمان بشمارید که تاکنون چند بار دست به اسلحه بردید؟»

خیلی زیاد.

